

تحلیل عوامل اجتماعی و فرهنگی بازدارنده ارتباط

کلامی همسران در شهر تهران

فرشته رضاییانی^۱، الهام فتحی^۲، اشرف‌السادات موسوی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴/۲/۰۳، تاریخ تایید: ۱۷/۶/۰۳

چکیده

هدف از این پژوهش تعیین عوامل اجتماعی و فرهنگی بازدارنده ارتباط کلامی موفق در میان زوجین ناراضی از زندگی زناشویی در شمال شرق شهر تهران است. این مطالعه با رویکرد کیفی و ابزار داده بنیاد انجام شد. ۱۲ زن و مرد با نمونه‌گیری در دسترس و مصاحبه نیمه ساختاریافته و بر اساس ملاک‌های ورود به پژوهش تا حد اشباع نظری مطالعه شدند. بر اساس نتایج، در مدل نهایی، ارتباط کلامی ناموفق همسران، به عنوان مقوله مرکزی تعیین شد و ۳۰ مفهوم به دست آمد که این سی مفهوم در ۱۳ مقوله حاصل شد. شرایط علی باعث ضعف دل‌بستگی، ضعف اقتصادی و ضعف سلامت جنسی می‌شود. همچنین عوامل شخصیتی و عوامل فرهنگی به عنوان مداخله‌گر هستند و پیشینه فردی، هم‌کفو بودن و پیشینه خانوادگی به عنوان زمینه‌ای محسوب می‌شوند. راهبردهایی که مصاحبه‌شوندگان ارائه داده‌اند، گفتگو، از خودگذشتگی، مطالعه و درمان، پیشرفت تحصیلی و اقتصادی بوده است. فروپاشی و طلاق قانونی یا عاطفی از آثار و پیامدهای ارتباط کلامی ناموفق می‌باشد.

واژگان کلیدی: عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی، ارتباط کلامی، ارتباط ناموفق، شهر تهران

^۱دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده؛ دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. Fr.rezaeiani@gmail.com

^۲دکتری تخصصی مشاوره، استادیار گروه مشاوره و روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران. fathielham@ymail.com

^۳دکتری تخصصی روان‌شناسی، استادیار گروه مشاوره و روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه حضرت معصومه (نویسنده مسئول). a.mosavi@hmu.ac.ir

خانواده نخستین هسته اجتماع و اساسی‌ترین بنیان جوامع است که افراد هر اجتماعی در بستر آن رشد و نمو پیدا کرده، از آن طریق وارد جامعه می‌شوند. همچنین خانواده بستری مناسب برای شناخت ارزش‌ها و روند تغییر آن‌ها در طی زمان بوده و نمونه‌ای خرد از جامعه کلان است (مهدی زاده، ۱۳۹۷: ۱۵۹). از جمله مظاهر زندگی اجتماعی انسان، وجود تعامل سازنده میان انسان‌ها و برقرار بودن عشق به هم‌نوع و ابراز صمیمیت و همدلی به یکدیگر است. ازدواج به عنوان عالی‌ترین و مهم‌ترین رسم اجتماعی برای دستیابی به نیازهای عاطفی افراد همواره مورد توجه بوده است. صمیمیت کلید داشتن ازدواجی موفق و منبع مهمی برای شادی، احساس معنا و رضایت زناشویی به شمار می‌رود. صمیمیت فرایندی تعاملی و شامل ابعادی مرتبط به هم است. محور این فرایند، شناخت، درک، پذیرش، همدلی با احساسات فرد دیگر، قدردانی و پذیرش دیدگاه اوست. می‌توان گفت، بهترین شکل ارتباط در میان اعضای خانواده شکل می‌گیرد. ارتباط زناشویی هم عبارت است از فرایند تبادل اطلاعات به طور کلامی و غیرکلامی بین زوجین که شامل مهارت‌هایی برای تبادل الگوهای اطلاعات درون سیستم زناشویی است مهارت‌های ارتباطی به منزله آن است که به واسطه آن‌ها افراد می‌توانند درگیر تعامل‌های بین فردی و فرایند ارتباط شوند؛ فرایندی که افراد در طی آن، اطلاعات، افکار و احساسات خود را از طریق مبادله کلامی و غیرکلامی با یکدیگر در میان می‌گذارند (جابری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۴). ارتباط تنها و مؤثرترین شیوه‌ای است که می‌تواند در رابطه‌ای به صمیمیت، عمق ببخشد؛ چه از طریق همسر و خانواده و چه از طریق دوستان باشد. اگر افراد برقرارکننده‌های خوب ارتباط باشند، همه جنبه‌های زندگی آن‌ها بهبود بخشیده می‌شود. از ارکان ازدواج موفق، توانایی زوج‌ها برای برقراری ارتباط کارآمد با یکدیگر است. همسرانی که می‌توانند ارتباط واضحی با یکدیگر برقرار کنند، شانس بیشتری برای غلبه بر مشکلات و ماندن در کنار هم دارند. ارتباط زناشویی خوب و موفق با رضایت زناشویی، صمیمیت زناشویی، کیفیت زندگی، کیفیت روابط زناشویی، ثبات زناشویی و سلامت زناشویی مرتبط است (پیرساقی و همکاران، ۱۳۹۶). رفتار یک همسر در خلأ رخ نمی‌دهد، بلکه در رابطه با موضوعات، افراد و رویدادهای دیگر اتفاق می‌افتد. زوج‌های ناموفق اغلب در برخورد با مشکلات خود، یکدیگر را سرزنش می‌کنند و این در حالی است که بیشتر آن‌ها برای رویارویی موفقیت‌آمیز با چالش‌های بعد از ازدواج از مهارت‌های ارتباطی مؤثری برخوردار نیستند. خلق

و تداوم یک رابطه زناشویی مطلوب نیاز به همکاری مشترک، خلاقیت، نگرش متفکرانه و تلاش و تفاهم قابل ملاحظه‌ای دارد که بخش قابل توجهی از آن با آموزش پیش از ازدواج میسر می‌شود. ارتباط کلامی موفق و کارآمد می‌تواند طلاق‌های عاطفی و رسمی و بسیاری مشکلات و آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی در میان زوجین و فرزندان را کاهش دهد؛ بنابراین کمبود و کاهش ارتباطات گفتاری و کلامی در بعد خانوادگی یکی از جدی‌ترین آسیب‌هایی است که در عصر جدید و با ظهور و بروز فناوری‌های جدید، بسیاری از خانواده‌ها با آن‌ها مواجه شده‌اند و تکرار مداوم آن باعث گسستگی اعضای خانواده از هم، دوری و جدایی اعضا از هم و در نتیجه به بار نشستن طلاق عاطفی بر پیکره نظام خانواده می‌باشد؛ بنابراین مواجهه با این میزان آسیب بر پیکره نظام خانواده نشان می‌دهد که عدم توجه به ارتباطات کلامی و گفتاری و مهارت صحبت کردن در نظام و سطح کوچک (خانواده) می‌تواند در بعد وسیع‌تر (جامعه) نیز شیوع و گسترش یابد و ارتباطات انسانی را مختل کند و در نتیجه هرگاه بنیان نهاد خانواده دچار تزلزل شود، بنیان‌های اخلاقی و اجتماعی کل نظام اجتماعی متزلزل شده و جامعه به سوی مشکلات گوناگون سوق داده می‌شود. پرداختن به عامل ارتباطات کلامی به عنوان راهگشای بسیاری از مشکلات حائز اهمیت است و در این پژوهش به این سؤال پاسخ داده می‌شود که چه عوامل اجتماعی و فرهنگی بازدارنده بر ارتباطات کلامی در همسران اثر می‌گذارد؟ پژوهش‌های متعددی در زمینه ارتباط کلامی و الگوهای ارتباطی انجام شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: محمودپور و همکاران (۱۳۹۹)، پیش‌بینی صمیمیت زناشویی زنان بر اساس ذهن آگاهی، الگوهای حل تعارض، حمایت اجتماعی ادراک شده و بهزیستی اجتماعی را مطالعه کردند. نتایج نشان داد که متغیرهای الگوهای حل تعارض، ذهن آگاهی، حمایت اجتماعی ادراک شده و بهزیستی اجتماعی با صمیمیت زناشویی رابطه معنادار دارند. این متغیرها در مجموع قادر به پیش‌بینی ۲۳ درصد از واریانس صمیمیت زناشویی بودند. اکبری گوابری و همکاران (۱۳۹۸)، نقش سرمایه اجتماعی و روان‌شناختی در پیش‌بینی صمیمیت زناشویی زوجین را مطالعه کرده‌اند. نتایج نشان داد بین نمره کل سرمایه اجتماعی و خرده مقیاس‌های مشارکت در جامعه محلی، عاملیت اجتماعی، احساس امنیت و اعتماد، تعاملات با خانواده و دوستان، تحمل تنوع، ارزش زندگی و تعاملات شغلی؛ و بین نمره کل سرمایه روان‌شناختی و خرده مقیاس‌های خودکارآمدی، امیدواری، تاب‌آوری و خوش‌بینی با صمیمیت زناشویی زوجین رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. میکائیلی و همکاران (۱۳۹۷)،

نقش الگوهای ارتباطی خانواده، ساختار انگیزشی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی در پیش‌بینی طلاق هیجانی زوجین شهر اردبیل را مطالعه کردند. برآیندها نشان داد که طلاق هیجانی با انعطاف‌پذیری روان‌شناختی، ساختار انگیزشی انطباقی و الگوی ارتباطی گفت‌وگوشنود ارتباط منفی و معنی‌دار و با ساختار انگیزشی غیر انطباقی و الگوی ارتباطی هم‌نوایی ارتباط مثبت و معنی‌داری دارد. تحلیل رگرسیون نیز نشان داد ۴۵ درصد از واریانس طلاق هیجانی توسط متغیرهای ساختار انگیزشی، الگوهای ارتباطی خانواده و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی تبیین می‌شود. رحمانی و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی نقش روابط کلامی-غیر کلامی در پیش‌بینی ترس از صمیمیت زوجین در بین ۳۱۰ نفر از زوجین مشهد پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که بین ارتباط اولیه و خرده مقیاس‌های ارتباط کلامی و غیر کلامی با ترس از صمیمیت ارتباط وجود دارد. روابط بین زوجین بر روی رضایت و سازگاری زناشویی آن‌ها تأثیر می‌گذارد و همچنین کیفیت رابطه توان پیش‌بینی قوی برای رضایت‌مندی زناشویی است. ارتباط و نحوه تعامل زوجین با یکدیگر در پیش‌بینی رابطه زوجین نقش مؤثری ایفا می‌کند. کربچه و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی نقش الگوهای ارتباطی خانواده در پیش‌بینی خیانت زناشویی ۵۰ نفر از زنان شهر اصفهان پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که الگوهای ارتباطی خانواده، اجتناب متقابل و توقع/کناره‌گیری با خیانت زناشویی دارای رابطه معنادار است. همچنین نتایج مربوط به تحلیل رگرسیون نشان داد که الگوهای ارتباطی خانواده به شکل معناداری خیانت زناشویی زنان را پیش‌بینی می‌کنند. رشیدی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی به رابطه بین الگوهای ارتباطی خانواده و تمایزیافتگی خود با کیفیت زندگی زنان متقاضی طلاق در کرمانشاه، پرداخته‌اند. نتایج نشان داد میان الگوی ارتباطی گفت‌وگوشنود و تمایزیافتگی با کیفیت زندگی رابطه مستقیم وجود دارد و هر دو متغیر الگوهای ارتباطی خانواده و تمایزیافتگی خود توان پیش‌بینی کیفیت زندگی را دارند. عسکری و همکاران (۱۳۹۴) رابطه الگوهای ارتباطی خانواده و تمایزیافتگی خود با کیفیت زندگی زنان متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره دادگستری کرمانشاه را بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داد بین الگوی ارتباطی گفت‌وگوشنود و تمایزیافتگی با کیفیت زندگی رابطه مستقیم وجود دارد و هر دو متغیر الگوهای ارتباطی خانواده و تمایزیافتگی خود توان پیش‌بینی کیفیت زندگی را دارند. جوادی و همکاران (۱۳۹۴) اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی و تعاملات عاطفی با رویکرد ارزش‌های دینی بر رضایت زناشویی را مطالعه کرده‌اند. تحلیل نتایج قبل و بعد از آموزش نشان

داد که تفاوت بین میانگین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه آزمایش، در نمره رضایت زناشویی معنادار بوده است، اما تفاوت معنادار بین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه کنترل در نمره رضایت زناشویی به دست نیامد. همچنین تأثیر این آموزش پس از گذشت ۲ ماه نیز پایدار بود. لیوبا بن (۲۰۱۷) در کتاب ارتباطات کلامی و غیر کلامی در خانواده می‌نویسد، ارتباطات به معنای مبادله اطلاعات یا استفاده مشترک از نظام نمادها، نشانه‌ها و رفتارها، چه پیام نوشتاری یا گفتاری، یا یک نظامی از رویه‌ها، فن‌ها برای انتقال مؤثر عقاید و اطلاعات تعریف می‌شود. ارتباطات همچنین با باعث انتقال اطلاعات از فردی به فرد دیگر همراه است. تارهان (۲۰۱۲) نیز در پژوهش جداگانه‌ای دریافت که حمایت اجتماعی ادراک شده توسط فرد، بر میزان امید، رضایت از زندگی و بهزیستی روان‌شناختی به طور مثبت تأثیرگذار است. سالیفو (۲۰۰۹)، نشان داد زوج‌هایی که از سبک‌های ارتباطی خوب و سالم برخوردارند، از روابط مطلوبی هم سود می‌برند. از سوی دیگر، بسیاری از تحقیقات تأیید می‌کنند که ارتباط و رابطه‌ی زوجی مناسب و رضایت‌بخش می‌تواند به میزان قابل توجهی کیفیت زندگی را ارتقا بخشد و احتمال مشکلات دیگر را کاهش دهد. پژوهش حاضر از چندین جهت با پژوهش‌های گذشته متفاوت است: ۱- تأکید بر ارتباط کلامی خانواده است، ۲- رویکرد پژوهش کیفی است، ۳- نگاه به ارتباطات اجتماعی و جامعه‌شناختی است، ۴- تحلیل کیفی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر ارتباطات کلامی خانواده در مدل نظریه زمینه‌ای انجام می‌شود که با تحلیل علل و عوامل و شرایط مختلف پیدایش و آثار و نتایج و راهبردها همراه خواهد بود و پژوهش‌های گذشته با این روش به این موضوع نپرداخته‌اند.

۲. مبانی نظری پژوهش

نظریه‌های ارتباطات بر اساس الگوی لسول^۱، ارتباط یک الگوی خطی و یک‌طرفه است که در آن، یک نفر بر دیگری تأثیر می‌گذارد. الگوی او شامل پنج پرسش بود که مجموعه کنش‌هایی را توصیف می‌کردند که ارتباط را تشکیل می‌دهند: (۱) چه کسی؟ (۲) چه می‌گوید؟ (۳) در چه مجرای؟ (۴) به چه کسی؟ (۵) با چه تأثیری؟. بعدها، کلود شانون^۲ و وارن ویور^۳ الگویی ارائه کردند که در آن، ارتباط عبارت از انتقال جریان اطلاعات از منبع به مقصد بود. آن‌ها در الگوی

1 Laswell

2 Claude shanon

3 Warren weaver

خود، «پارازیت» را به الگوی لسول افزودند (وود، ۱۳۷۹). پس از آن الگوهای تعاملی مطرح شد. این الگوها ارتباط را فرایندی می‌دانست که در آن شنوندگان نیز متقابلاً برای سخن‌گویان پیام می‌فرستند. «بازخورد» یا پاسخ‌دهی به پیام ویژگی اصلی الگوهای تعاملی است. مشهورترین الگوی تعاملی توسط ویلبر شرام مطرح شد که می‌گفت: پیام‌دهندگان پیام را در درون میدان شخصی تجربه خود، خلق و تفسیر می‌کنند. هر قدر میدان تجربه پیام‌دهندگان همپوشی بیشتری داشته باشد، طرفین منظور یکدیگر را بهتر می‌فهمند (Schramm, 1978, 205). همچنین سیلینسکا و همکارانش (۲۰۱۴) معتقدند که ارتباطات در سیستم خانواده تعاملی است، به این معنی که رفتار هر یک از افراد در این سیستم یک پیام کاملاً قابل درک - هم کلامی و هم غیر کلامی - برای یکدیگر است. در چنین شرایطی، ارسال و دریافت پیام‌ها در سیستم خانواده به طور همزمان در بین اعضا انجام می‌گیرد (Celińska-Miszczuk and Wiśniewska, 2014). الگوهای تبدالی الگوی دیگری است که شامل عامل زمان و سایر جنبه‌های ارتباط مثل پیام‌ها، پارازیت و میدان‌های تجربه می‌شود که ثابت نیستند و در طول زمان تغییر می‌کنند. در این الگو، بیان می‌شود که در ارتباطات میان فردی، همیشه پارازیت وجود دارد. ارتباطات میان فردی فرآیندی است که انتقال و دریافت پیام‌های کلامی و غیر کلامی از طریق آن صورت می‌پذیرد. (Chmielowska-Marmucka, 2015). در الگوی تبدالی، بر این نکته تأکید می‌شود که ارتباطات میان فردی یک فرایند دائم‌التغییر است. در الگوی تبدالی، طرفین ارتباط، لحظه‌ای پیام می‌فرستند و لحظه‌ای پیام می‌گیرند یا هر دو عمل را به طور همزمان انجام می‌دهند. در این الگو، نه کسی «فرستنده» و نه کسی «گیرنده» است؛ چرا که هر دو نفر پیام‌دهندگانی هستند که به یک اندازه در فرایند ارتباط شرکت می‌کنند و غالباً شرکت آن‌ها خودانگیخته و همزمان است. به دلیل آنکه پیام‌دهندگان پیوسته بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند، ارتباطات میان فردی با الزام شدید اخلاقی پیوند می‌خورند. بر اساس الگوی تبدالی، رفتارهای کلامی و غیر کلامی ما می‌توانند موجب تقویت یا تضعیف روحیه دیگران شوند؛ همان‌گونه که رفتارهای کلامی و غیر کلامی آنان می‌توانند چنین حالاتی در ما ایجاد کنند (وود، ۱۳۷۹).

نظریه‌های خانواده: رنه کونیک^۲ مهم‌ترین خصلت و مشخصه اصلی خانواده را رویارویی روابط و صمیمیت می‌داند و خانواده را گروهی که با احساسات شدید با یکدیگر در ارتباط هستند

1 Wilbur schramm
2 Rene Konique

تعریف می‌کند. او از مفهوم نابسامانی نیز برای بیان روندی استفاده می‌کند که نمایشگر اختلالات و روابط درونی و روابط گروهی خانواده است. در تعریف کلاسیک ارنست برگس^۱ از خانواده به عنوان گروهی خاص نام می‌برد که اعضای آن با احساسات شدید با یکدیگر در ارتباط هستند. به این ترتیب وی بر مهم‌ترین خصلت گروه خانواده یعنی رویارویی روابط و جمعیت تأکید می‌کند. کولی^۲ برای خانواده مفهوم گروه اولیه را در نظر گرفت. هلموث شلسکی^۳ خانواده را به عنوان یک نهاد اجتماعی و به منزله تنها باقی‌مانده ثبات اجتماعی معرفی می‌کند. شلسکی مسأله‌ای به نام دوگانگی نظام اولیه و ثانویه را مطرح می‌کند. در این حالت خانواده در برابر نظام اجتماعی قرار دارد. زندگی فرد در جامعه نقطه مقابل زندگی خانوادگی است. زندگی در جامعه دربرگیرنده همه چیز به‌غیر از خانواده است. زندگی در جامعه دارای قوانین خاص خود است. در این زندگی احساس و محبت جایی ندارد. بلکه در آن انضباط خشک و نظم کسالت‌آور و بی‌روح جهان خارج از خانه حاکم است. در صورتی خانواده دارای فضایی آکنده از احساسات مشترک و آرامش محیط انسانی و محبت است که در آن زندگی خصوصی یا زندگی انسانی تجلی می‌یابد. (اعزازی، ۱۳۸۱: ۷۶).

نظریه‌های عوامل اجتماعی و فرهنگی بازدارنده ارتباط: بولتن عنوان می‌دارد ارتباط نا مؤثر موجب فاصله بین فردی عمیق می‌شود که در همه جنبه‌های زندگی تجربه می‌شود. پیامد فروپاشی ارتباط در اغلب موارد تنهایی، مشکلات خانوادگی، عدم صلاحیت و نارضایتی شغلی، فشار روانی، بیماری جسمی و ... خواهد بود. زندگی اغلب زوج‌هایی که امید دارند ازدواجی بارور داشته باشند به دلیل فقدان مهارت‌های لازم به یک رابطه موازی بدون صمیمیت می‌انجامد و هنگامی که ارتباط متوقف می‌شود، انرژی عشق به آزردهی و خشم تبدیل می‌شود و در نتیجه منازعه‌های فراوان، عدم علائق جنسی را موجب می‌شود (فولادی و همکاران، ۱۳۹۲). لذا توجه به الگوی ارتباطی بین زوجین به منظور تحکیم روابط و زندگی زناشویی بسیار حائز اهمیت است.

بر اساس نظریه زیمل صمیمیت میان افراد به تدریج شکل می‌گیرد، به مرور زمان افزایش پیدا می‌کند، از حالت تصنعی خارج می‌شود و در رفتارهای واقعی طرفین رابطه نسبت به هم بروز می‌یابد. افزایش این صمیمیت، نفوذ بیشتر افراد درهم و نزدیکی بیشتر میان آن‌ها را به دنبال

1 Ernest Burgess

2 Gypsy

3 Helmut Schlesky

دارد. در نهایت افزایش نزدیکی میان افراد، به شناخت دقیق‌تر آن‌ها از یکدیگر می‌انجامد. در این شرایط افراد به کوچک‌ترین نشانه‌های رفتاری طرف مقابل واکنش نشان می‌دهند، گفتنی است افزایش صمیمیت بیش از هر چیز از طریق خودافشاگری (خودگشودگی) حاصل می‌شود (شاه‌محمدی، ۱۳۹۰: ۵۰).

نظریه پردازان نفوذ اجتماعی اعتقاد دارند که روابط میان فردی به شیوه‌ای تدریجی و قابل پیش‌بینی رشد می‌کند، نظریه نفوذ اجتماعی بیان می‌کند که خود افشایی روش اصلی برای پیشبرد روابط غیر صمیمانه و کم‌عمق به روابط عمیق و صمیمانه است. البته با وجود این‌که خودافشایی می‌تواند منجر به روابط صمیمانه‌تر گردد، ممکن است فرد را آسیب‌پذیر سازد (احمدی، ۱۳۹۵).

۳. روش پژوهش

در این تحقیق رویکرد اصلی کیفی و راهبرد یا ابزار اصلی نظریه داده بنیاد یا تئوری زمینه‌ای است. با استفاده از روش مشاهده میدانی پژوهشگران سعی کرده است با حضور در میدان مشاهده و حتی‌الامکان با حضور و درگیری طولانی‌مدت در جمع‌های خانوادگی و مشاهده مستقیم، اطلاعات را ثبت نمایند و داده‌ها را جمع‌آوری کند. در واقع روند شناسایی، ثبت و نام‌گذاری از آنچه روی می‌دهد را تداوم بخشند و با استفاده از روش مصاحبه، پژوهشگران سؤالاتی را طرح کرده و آن‌ها را به طریق مصاحبه حضوری از حجم نمونه انتخابی گفتگو و سؤال نمایند و پاسخ‌های آن‌ها را ثبت و اطلاعات را جمع‌آوری نمایند و با ایجاد جوی دوستانه و تحریک علاقه مصاحبه‌شونده و ارائه منظم سؤال‌ها به روند مصاحبه تداوم بخشند. با استفاده از سومین روش یعنی بررسی مدارک و اسناد کتابخانه‌ای سعی شده است داده‌های موجود در مطالعات گذشته، آمارهای رسمی و غیررسمی مدارک و اسناد سازمانی و منابع علمی مرتبط با موضوع استخراج شده، مورد بهره‌برداری قرار گیرند. محیط این پژوهش منطقه شرق و شمال شرقی تهران بوده است و جامعه آماری و قلمرو مطالعاتی این پژوهش زوجین راضی و ناراضی از زندگی ساکن در منطقه چهار شهر تهران هستند. بر اساس گستردگی حوزه مطالعاتی، تقلیل جامعه و محدود کردن سطح آن به خانواده‌های ساکن در منطقه چهار شهر تهران صورت گرفته و از میان آن‌ها حجم نمونه با اصل اشباع نظری انتخاب شدند. این تعداد از حجم نمونه با روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع تأییدی و غیر تأییدی و نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. با

توجه به محدودیت‌های ناشی از کرونا بعضی از مصاحبه‌ها تلفنی انجام شده است. این مصاحبه‌ها از شرکت‌کننده اول تا نهایت نمونه ۱۲ در هر گروه ادامه یافته و با انتخاب این تعداد نمونه به‌نوعی به اشباع نظری مقوله‌ها دست پیدا شده است و به‌بیان‌دیگر مصاحبه‌ها تا زمانی که مقوله-ها به اشباع نظری رسید ادامه پیدا کرده است. برای انتخاب دقیق‌تر شرکت‌کنندگان معیارهای ورودی دیگری از جمله حداقل مدرک تحصیلی متوسطه، گذشت حداقل دو سال از زندگی مشترک، موفق بودن یا نبودن در برقراری ارتباط کارآمد خانوادگی و راضی بودن و یا راضی نبودن از زندگی زناشویی نیز در نظر گرفته شده است. در این پژوهش بر اساس ماهیت و رویکرد کیفی آن و استفاده از ابزار گردن‌دثتوری یا داده بنیان برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از سه مرحله کدگذاری بر مبنای مقوله‌های استخراج شده از مطالعات مقدماتی استفاده شد. سه مرحله کدگذاری مقوله‌ها عبارتند از: کدگذاری باز: در این مرحله اولیه کدگذاری سعی شد مفاهیم درون مصاحبه‌ها و اسناد و مدارک بر اساس ارتباط با موضوعات مشابه طبقه‌بندی شوند و در نهایت سعی بر این است در این مرحله اطلاعات انبوه کسب شده از مصاحبه‌ها و اسناد درون مفاهیم و دسته‌بندی‌های مشخص تقطیع و خلاصه گردد. کدگذاری محوری: در مرحله بعد از کدگذاری باز یعنی در کدگذاری محوری سعی شد بین مقوله‌های تولید شده در مرحله کدگذاری باز ایجاد رابطه و ارتباط گردد، این مرحله فرایند نظریه‌پردازی را برای ما سهولت بخشید. در این مرحله یکی از مقوله‌ها به عنوان مقوله محوری و اصلی تعریف و دسته‌بندی شد و سایر دسته‌ها با این دست بندی اصلی، مرتبط گردید، -کدگذاری انتخابی: مرحله آخر کدگذاری در این پژوهش کدگذاری انتخابی است، در این مرحله سعی شد، بر اساس نتایج کدگذاری باز و محوری، مرحله اصلی یعنی نظریه‌پردازی صورت گیرد، به این صورت که در این مرحله مقوله محوری را به شکل نظام‌مند به دیگر مقوله‌ها ربط داده و آن روابط را در چارچوب یک روایت ارائه دهیم و حتی در این مرحله مقوله‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند را اصلاح کنیم. برای سنجش اعتبار یافته‌های پژوهش حاضر، علاوه بر استفاده از منابع داده گوناگون، یافته‌ها با متخصصان، کارشناسان در حوزه علوم اجتماعی، در میان گذاشته می‌شود، یعنی نظارت متخصصان اعمال می‌شود. علاوه بر این، مقایسه یافته‌های پژوهش با برخی از پژوهش‌های داخلی و خارجی پیشین به افزایش اعتبار یافته‌های بررسی بسیار کمک کرد. در این پژوهش قابلیت اطمینان با به‌کارگیری روش‌های زیر افزایش می‌یابد: ذکر جزئیات مربوط به چگونگی گردآوری داده‌ها و نحوه تصمیم‌گیری‌ها و انجام مصاحبه‌ها با یک برنامه قبلی در یک فضای مناسب و رعایت شرایط

مصاحبه با راهنمایی‌های لازم و به دور از سوگیری و اعمال نظر شخصی، ارائه فهرست و آمار و مشخصات مشارکت‌کنندگان، ثبت یادداشت‌های پژوهشگران و بازگرداندن نتایج و ویرایش شده مصاحبه به مصاحبه‌شوندگان و گرفتن نظر آنان، ذکر جزئیات تفسیرها و تحلیل‌های طی شده در فرآیند پژوهش.

۴. یافته‌های پژوهش

نتایج توصیفی: نمونه مورد مطالعه شامل ۱۲ شرکت‌کننده (۶ زن و ۶ مرد) می‌باشد که ارزندگی زناشویی ناراضی بودند. دامنه سنی مشارکت‌کنندگان از ۲۸ تا ۵۵ سال و طول مدت ازدواج از ۲ تا ۲۷ سال متغیر بود. ۴ نفر از شرکت‌کنندگان دارای ۱ فرزند، ۳ نفر دارای هیچ فرزند و پنج نفر نیز دارای ۲ فرزند بود. میزان تحصیلات شرکت‌کنندگان نیز از متوسطه تا دکتری متغیر بود.

نتایج تحلیلی: پس از استخراج شناسه‌های باز، در نهایت ۳۰ مفهوم به دست آمد. این مفهوم‌ها عبارت بودند از: وابستگی به شبکه‌های اجتماعی مجازی، بی‌مسئولیتی، فقر مالی، اختلاف اقتصادی، ارتباط غیراخلاقی، ناآگاهی جنسی و عاطفی، بیماری روحی روانی، سابقه اعتیاد، تفاوت اقتصادی، تفاوت فرهنگی، تفاوت اقلیمی، داغ خانواده پدری، وابستگی به خانواده پدری، پرخاش، بی‌اعتمادی، دروغ، ترس از خیانت، تنوع‌طلبی، گفتگو دونفره، گفتگوی خانواده‌ها، سکوت، گذشت و نادیده گرفتن، مشاوره و درمان، شناخت مشکل، تلاش اقتصادی، تلاش تحصیلی، اختلاف، جدایی، فقر اقتصادی، نابسامانی اخلاقی. این سی مفهوم در ۱۳ مقوله دسته‌بندی گردید (ضعف دل‌بستگی، ضعف اقتصادی، ضعف سلامت جنسی، پیشینه فردی، هم‌کفو نبودن، پیشینه خانوادگی، عوامل شخصیتی، عوامل فرهنگی، گفتگو، از خودگذشتگی، مطالعه و درمان، پیشرفت تحصیلی و اقتصادی، فروپاشی و طلاق قانونی یا عاطفی). پس از تعیین پدیده محوری، این سؤال مطرح شد که شرایط علی فرایند ارتباط کلامی ناموفق کدام است. مصاحبه‌شوندگان شرایط علی ارتباط کلامی ناموفق همسران را ضعف دل‌بستگی (وابستگی به شبکه‌های اجتماعی، بی‌مسئولیتی)، ضعف اقتصادی (فقر مالی و اختلاف اقتصادی) و ضعف سلامت جنسی (ناآگاهی جنسی و عاطفی و ارتباط غیراخلاقی) می‌دانند. شرایط علی ارتباط کلامی ناموفق به ترتیب زیر مشخص شده است:

شرایط علی ارتباط کلامی ناموفق همسران

شرایط علی	مفاهیم
ضعف دل‌بستگی	وابستگی به شبکه‌های مجازی
	بی‌مسئولیتی
ضعف اقتصادی	فقر مالی
	اختلاف اقتصادی
ضعف سلامت جنسی	ارتباط غیراخلاقی
	ناآگاهی جنسی و عاطفی

با توجه به اطلاعات، دیدگاه‌ها و تجربیات مشارکت‌کنندگان مشخص شد که همسران برای حل مسئله و برخورداری از میزان مطلوب ارتباط کلامی از گفتگو (گفتگو دونفره، گفتگوی خانواده‌ها)، از خودگذشتگی (سکوت، گذشت و نادیده گرفتن)، مطالعه و درمان (مشاوره و درمان، شناخت مشکل)، پیشرفت تحصیلی و اقتصادی (تلاش اقتصادی و تلاش تحصیلی) برای اصلاح ارتباط سود می‌برند. راهبردها برای بهبود ارتباط کلامی به ترتیب زیر مشخص شده است:

راهبردهای همسران برای بهبود ارتباط کلامی

راهبردها	مفاهیم
گفتگو	گفتگو دونفره
	گفتگوی خانواده‌ها
از خودگذشتگی	سکوت
	گذشت و نادیده گرفتن
مطالعه و درمان	مشاوره و درمان
	شناخت مشکل
پیشرفت تحصیلی و اقتصادی	تلاش اقتصادی
	تلاش تحصیلی

فرایند ارتباط کلامی ناموفق، تحت تأثیر سه عامل زمینه‌ای پیشینه فردی (بیماری روحی روانی؛ سابقه اعتیاد)، هم‌کفو نبودن تفاوت اقتصادی، تفاوت فرهنگی و تفاوت اقلیمی) و پیشینه خانوادگی (داغ خانواده پدری، وابستگی به خانواده پدری) قرار دارد که بستر نامناسبی برای زندگی زناشویی و خانواده فراهم می‌آورد. شرایط زمینه‌ای ارتباط کلامی ناموفق به ترتیب زیر مشخص شده است:

شرایط زمینه‌ای ارتباط کلامی ناموفق همسران

شرایط زمینه‌ای	مفاهیم
پیشینه فردی	بیماری روحی روانی
	سابقه اعتیاد
هم‌کفو نبودن	تفاوت اقتصادی
	تفاوت فرهنگی
	تفاوت اقلیمی
پیشینه خانوادگی	داغ خانواده پدری
	وابستگی به خانواده پدری

این عوامل تحت تأثیر عامل دیگری نیز قرار داشت که نقش عامل مداخله‌ای را ایفا می‌کرد. طبق نتایج، عوامل شخصیتی (پرخاش، بی‌اعتمادی، دروغ) عوامل فرهنگی (ترس از خیانت و تنوع‌طلبی) در کنار عوامل زمینه‌ای می‌تواند مانع کاربرد راهبردهای مورد نظر همسران برای ایجاد ارتباط کلامی کارآمد باشد. شرایط مداخله‌گر ارتباط کلامی ناموفق به ترتیب زیر مشخص شده است:

شرایط مداخله‌گر ارتباط کلامی ناموفق زوجین

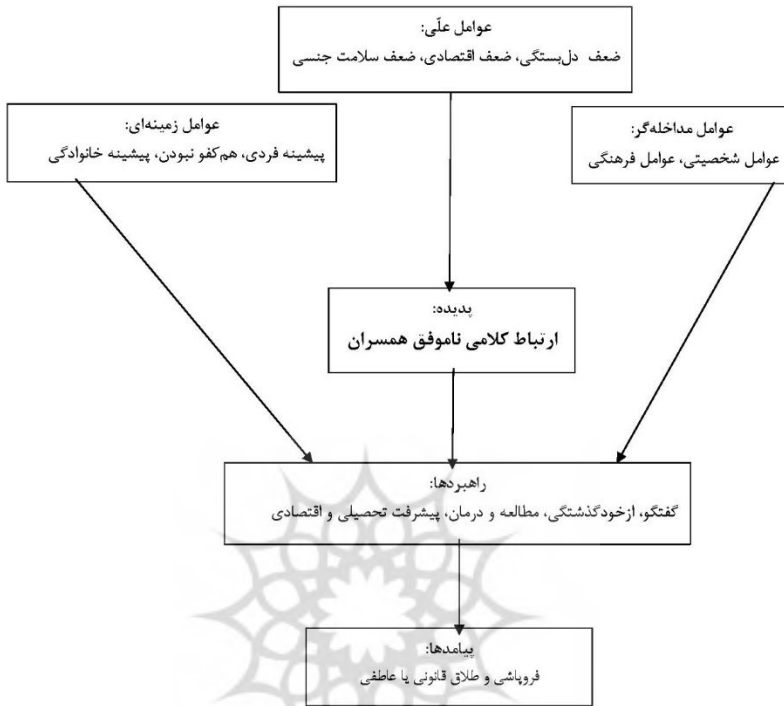
شرایط مداخله‌گر	مفاهیم
عوامل شخصیتی	پرخاش
	بی‌اعتمادی
	دروغ
عوامل فرهنگی	ترس از خیانت
	تنوع‌طلبی

با توجه به دیدگاه‌ها و تجربیات مشارکت‌کنندگان فرایند ارتباط کلامی ناموفق باعث فروپاشی و طلاق (اختلاف، جدایی، فقر اقتصادی، نابسامانی اخلاقی) در بین زوجین می‌شود. پیامد ارتباط کلامی ناموفق به ترتیب زیر مشخص شده است:

پیامدهای ارتباط کلامی ناموفق همسران

پیامدها	مفاهیم
فروپاشی و طلاق	اختلاف
	جدایی
	فقر اقتصادی
	نابسامانی اخلاقی

الگوی پارادایمی ارتباط کلامی ناموفق همسران



همان‌طور که الگو نشان می‌دهد، مقوله ارتباط کلامی ناموفق همسران محور و مرکز پدیده ارتباط کلامی است. شرایط علّی باعث ضعف دل‌بستگی، ضعف اقتصادی، ضعف سلامت جنسی می‌شود. همچنین عوامل شخصیتی و عوامل فرهنگی به عنوان مداخله‌گر هستند و پیشینه فردی، هم‌کفو نبودن، پیشینه خانوادگی به عنوان زمینه‌ای محسوب می‌شود. راهبردهایی که مصاحبه‌شوندگان ارائه داده‌اند، گفتگو، ازخودگذشتگی، مطالعه و درمان، پیشرفت تحصیلی و اقتصادی بوده است. فروپاشی و طلاق قانونی یا عاطفی از آثار و پیامدهای ارتباط کلامی ناموفق می‌باشد.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، با هدف تحلیل عوامل اجتماعی و فرهنگی بازدارنده ارتباط کلامی همسران در شهر تهران از طریق ابزار گراندتئوری نگاشته شده است. گراندتئوری یا نظریه داده بنیاد یک ابزار تحقیق کیفی است که برای نظریه‌پردازی پیرامون پدیده مورد مطالعه استفاده می‌شود. این پژوهش از نظریه‌های ارتباطات، خانواده و نظریه‌های عوامل اجتماعی و فرهنگی بازدارنده ارتباط بهره برده است.

یافته‌ها در مدل نهایی نشان داد، ارتباط کلامی ناموفق همسران، به عنوان مقوله مرکزی تعیین شد. همسران در مصاحبه خود شرایط علی را که باعث ارتباط ناموفق بین زوجین می‌شود را ضعف دل‌بستگی، ضعف اقتصادی، ضعف سلامت جنسی، می‌دانستند. همچنین عوامل شخصیتی و عوامل فرهنگی به عنوان مداخله‌گر هستند و پیشینه فردی، هم‌کفو نبودن، پیشینه خانوادگی به عنوان زمینه‌ای محسوب می‌شود. راهبردهایی که مصاحبه‌شوندگان ارائه داده‌اند، گفتگو، از خودگذشتگی، مطالعه و درمان، پیشرفت تحصیلی و اقتصادی بوده است. فروپاشی و طلاق قانونی یا عاطفی از آثار و پیامدهای ارتباط کلامی ناموفق می‌باشد.

پژوهش حاضر از چندین جهت با پژوهش‌های گذشته متفاوت است (۱) تأکید بر ارتباط کلامی خانواده دارد (۲) رویکرد پژوهش کیفی است (۳) نگاه به ارتباطات اجتماعی و جامعه‌شناختی است (۴) تحلیل کیفی تعیین‌کننده‌های مؤثر بر ارتباطات کلامی خانواده در مدل نظریه زمینه‌ای انجام می‌شود که با تحلیل علل و عوامل و شرایط مختلف پیدایش و آثار و نتایج و راهبردها همراه است و پژوهش‌های گذشته با این روش به این موضوع نپرداخته‌اند. شناخت عوامل بازدارنده ارتباط کلامی موفق می‌تواند در ارائه اطلاعات لازم برای آموزش تداوم ارتباط کارآمد به زوجها و نیز در ارائه مداخلات مناسب برای همسرانی مؤثر واقع شود که دچار ناکارآمدی ارتباط زناشویی هستند. برای ارتباط موفق باید همگرایی و تعامل‌گرایی تقویت و آموزش داده شود. "همگرایی" بستر مساعدی برای شکوفایی و خلاقیت اعضای خانواده است و "واگرایی" به نوع خود طرحی از خانواده را درمی‌افکند که همچون دو حوزه جداگانه شاهد به هدر رفتن انرژی‌های زندگی است که صرف اصطکاک و تقابل می‌شود. هر زوج باید دیگری را با رفاقت پذیرش کند و جایگاه او را در زندگی حفظ نماید. برای برقراری رابطه مطلوب عاطفی، توجه کردن در دو بخش کلامی و غیرکلامی نقش اساسی دارد. در نهایت بر اساس نتایج این پژوهش به نظر می‌رسد برای ایجاد و تداوم ارتباط کلامی کارآمد، توجه به راهبردهای درونی و

بیرونی از سوی همسران ضروری است. اقتصاد و معیشت، مدیریت عواملی چون زمان، اوقات فراغت، مداخله اطرافیان و مصرف رسانه‌ای راهبردهای بیرونی است. موقعیت‌شناسی، نشاط فردی، سعه‌صدر و مشورت‌پذیر بودن از جمله راهبردهای درونی است که همسران می‌بایست مورد توجه قرار دهند.

۶. پیشنهادها

الف) پیشنهادهای کاربردی:

برای ارتباط موفق باید همگرایی و تعامل‌گرایی تقویت و آموزش داده شود. هر زوج باید دیگری را با رفاقت پذیرش کند و جایگاه او را در زندگی حفظ نماید. برای برقراری رابطه مطلوب عاطفی، توجه کردن در دو بخش کلامی و غیرکلامی نقش اساسی دارد.

بر اساس نتایج این پژوهش به نظر می‌رسد برای ایجاد و تداوم ارتباط کلامی کارآمد توجه به راهبردهای درونی و بیرونی از سوی همسران ضروری است. اقتصاد و معیشت، مدیریت عواملی چون زمان، اوقات فراغت، مداخله اطرافیان و مصرف رسانه‌ای راهبردهای بیرونی است. موقعیت‌شناسی، نشاط فردی، سعه‌صدر و مشورت‌پذیر بودن از جمله راهبردهای درونی است که همسران می‌بایست مورد توجه قرار دهند.

ب) پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی

پیشنهاد می‌گردد، پژوهشگران بعدی مشابه این پژوهش را در شهرهای دیگر انجام دهند. پیشنهاد می‌گردد، پژوهشگران بعدی مشابه این پژوهش را در مناطق روستایی کشور انجام دهند.

منابع

اکبری گوابری، بهمن؛ فرغت، آزاده؛ علی‌خواه، ساناز و مجیدی‌ملیناز (۱۳۹۸). نقش سرمایه اجتماعی و روان‌شناختی در پیش‌بینی صمیمیت زناشویی زوجین. فصلنامه پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی، دوره ۹، شماره ۳۳.

اعزازی، شهلا (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

پیرساقی، فهیمه؛ زهراکار، کیانوش؛ کیامنش، علیرضا؛ محسن زاده، فرشاد؛ و حسنی، جعفر (۱۳۹۶). شاخص‌های ارتباط زناشویی کارآمد: یک مطالعه کیفی. دو فصلنامه مشاوره کاربردی، دوره ۷.

جوادی، بهناز سادات؛ افروز، غلامعلی وحسینیان (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی و تعاملات عاطفی با رویکرد ارزش‌های دینی بر رضایت زناشویی نسرته روانشناسی خانواده. سال دوم، شماره ۲.

جولیا، وود (۱۳۷۹). ارتباطات میان فردی؛ روان‌شناسی تعامل اجتماعی. ترجمه مهرداد فیروزبخت. نشر مهتاب.

جابری، سمیه؛ اعتمادی، عذرا و احمدی، سیداحمد (۱۳۹۴). بررسی رابطه مهارت‌های ارتباطی با صمیمیت زناشویی. مجله پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری. سال ۵، شماره ۲.

رشیدی، علیرضا؛ نقشینه، طیبه؛ شریفی، کسری (۱۳۹۵). رابطه بین الگوهای ارتباطی خانواده و تمایز یافتگی خود با کیفیت زندگی زنان متقاضی طلاق در کرمانشاه، دو فصلنامه آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده، شماره ۲ (۱) ۶۶-۷۸.

رحمانی، مریم؛ کیمیایی، سید علی و اصغری ابراهیم‌آباد، محمدجواد (۱۳۹۷). بررسی نقش روابط کلامی غیر کلامی در پیش‌بینی ترس از صمیمیت زوجین. دومین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، مشاوره، تعلیم تربیت، مشهد: موسسه آموزش عالی شان‌دیز، https://www.civilica.com/Paper-ICPCE02-ICPCE02_478.html

شاه‌محمدی، معصومه، عبدالله میرزایی، رسول، ارشدین، عمت‌الله (۱۳۹۰). مطالعه تأثیر دیدگاه بی‌نظمی بر درک دبیران شیمی از مفهوم آنتروپی؛ مطالعات برنامه درسی سال ششم، شماره ۲۱.

عسکری، سعید؛ رشیدی، علیرضا؛ نقشینه، طیبه؛ شریفی، سارا (۱۳۹۴). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده و تمایز یافتگی خود با کیفیت زندگی زنان متقاضی طلاق؛ مجله علمی ترویجی رویش روان‌شناسی سال چهارم شماره ۲ (پیاپی ۱۱).

فولادی، فائزه؛ اژه‌ای، جواد؛ غلامعلی لواسانی، مسعود؛ برزگر کهنمویی، ساناز؛ جلوانی، راضیه (۱۳۹۲). اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی بر بهبود کیفیت زندگی زنان متأهل. فصلنامه آموزش و ارزیابی. شماره ۲۱. صفحه ۱۲۷-۱۴۱.

کردبچه، شیرین و عارفی، مژگان (۱۳۹۶). بررسی نقش الگوهای ارتباطی خانواده در پیش‌بینی خیانت زناشویی زنان شهر اصفهان. چهارمین کنفرانس بین‌المللی نوآوری‌های اخیر در روانشناسی، مشاوره و علوم رفتاری، تهران. <https://civilica.com/doc/670591>

میکائیلی، نیلوفر؛ رحیمی، سعید و صداقت، مهرناز (۱۳۹۷). نقش الگوهای ارتباطی خانواده. ساختار انگیزشی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی در پیش‌بینی طلاق هیجانی زوجین. فصلنامه آسیب‌شناسی. مشاوره و غنی‌سازی خانواده، دوره ۴، شماره ۱.

محمودپور، عبدالباسط؛ دهقانپور، ثنا؛ اجمادی، سحر و یوسفی، ناصر (۱۳۹۹). پیش‌بینی صمیمیت زناشویی زنان بر اساس ذهن آگاهی، الگوهای حل تعارض، حمایت اجتماعی ادراک شده و هزستی اجتماعی. فصلنامه پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی، شماره ۳۹.

مهدی زاده، سیدمحمد؛ علیمحمدی، محبوبه (۱۳۹۷). بازنمایی خانواده و طبقه مبتنی بر الگوی مصرف: روایتی از دوره پیش از انقلاب در سریال کیمیا. فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دوره ۱۴، شماره ۵۳.

Alavipour, S. (2020). Iranian Cinema as a Vehicle for Political Thinking: from 1953 to 1979, *10(20)*, 51-68. doi: 10.30480/dam.2020.1058.1264 (In Persian)

Anat Klin & Dafna Lemish (2008) *Mental Disorders Stigma in the Media: Review of Studies on Production, Content, and Influences*, *Journal of Health Communication*, 13:5, 434-449, DOI: 10.1080/10810730802198813

Azad, M., Aghili, S.V., taghva, A., & Rahmzadeh, S.A. (2022). A study of the cultural representation of mental disorder in Iranian cinema using "Pdman" method (case study: Hooman Seyedy films). *Cultural Studies & Communication*, 18(68), 273-301. doi: 10.22034/jcsc.2021.533510.2423 (In Persian)

Babić D, Babić R, Vasilj I, Avdibegović E. Stigmatization of Mentally Ill Patients through Media. *Psychiatr Danub*. 2017 Dec; 29(Suppl 5):885-889. PMID: 29283984.

Baumann AE. (2007). Stigmatization, social distance and exclusion because of mental illness: the individual with mental illness as a 'stranger'. *Int Rev Psychiatry*, 19(2):131-5. doi: 10.1080/09540260701278739. PMID: 17464791.

Beachum, Lauren, "The Psychopathology of Cinema: How Mental Illness and Psychotherapy are Portrayed in Film" (2010). Honors Projects. 56. <https://scholarworks.gvsu.edu/honorsprojects/5>

El Habbal Jadayel, Rola & Medlej, Karim & Jadayel, Jinan. (2018). Mental Disorders: A Glamorous Attraction On Social Media? *International Journal of Teaching & Education*. 7. 465-476.

Farahani, H., Tavakkol, M (1396). *Akhlaq-i zīstī i.e., Bioethics Journal*, 7 (26), 7-21. <https://doi.org/10.22037/bioeth.v7i26.20717> [In Persian]

Khashei, R., & Zokaei, M. S. (2016). Representation of Health Lifestyle in Mass Media Content Analysis of Health-related Contents Produced in Four Media (Health Radio, Television, Salamat-News Website, Health Weekly Magazine). *Communication Research*, 23(85), 45-65. doi: 10.22082/cr.2016.20098 [In Persian]

Ma, Z. (2017), "How the media cover mental illnesses: a review", *Health Education*, Vol. 117 No. 1, pp. 90-109. <https://doi.org/10.1108/HE-01-2016-0004>

Maiorano A, Lasalvia A, Sampogna G, Poci B, Ruggeri M, Henderson C. Reducing Stigma in Media Professionals: Is there Room for Improvement? Results from a Systematic Review.

- Can J Psychiatry*. 2017 Oct; 62(10):702-715. doi: 10.1177/0706743717711172. Epub 2017 Jun 16. PMID: 28622747; PMCID: PMC5638187.
- Mozaffari, A., MehrParvar, S. (2019). cinema and health messages. *Media Studies*, 14(45), 87-106. (In Persian)
- Nancy Signorielli (1989) *The stigma of mental illness on television*, ***Journal of Broadcasting & Electronic Media***, 33:3, 325-331, DOI: 10.1080/08838158909364085
- Otto F. Wahl & Rachel Roth (1982) *Television images of mental illness: Results of a metropolitan Washington media watch*, ***Journal of Broadcasting***, 26:2, 599-605, DOI: 10.1080/08838158209364028
- RaesDana, N. (1394). The image of organ transplant ethics in cinema and television. *The Fourth Iranian Annual Congress of Medical Ethics and The Fourth Congress of Nursing Ethics*. IJMEHM 2016 (In Persian)
- Ravadrad, A., & Fath Abadi, B. (2011). The relationship between director's gender and type of characterization of women in cinema. *Journal of Woman in Culture and Arts*, 3(1), 64-75. https://jwica.ut.ac.ir/article_23220.html?lang=en (In Persian)
- Rezaeiani, F., & Fathi, E. (2023). The Image of Psychotherapy and Mental Health Professionals in the Last two Decades of Iranian Cinema. *Communication Research*, 30(113), 183-205. doi: 10.22082/cr.2022.556124.2376 (In Persian)
- Rezayee Bayandor, M. R. (2007). Representation of mental illnesses and mentally-ill people in media. *Communication Research*, 14(50), 31-47. doi: 10.22082/cr.2007.24305 (In Persian)
- Shahbazi, M. M., Behzadnasab, M. A., & Borzouee, M. R. (2019). An Analysis of the Relation between One's Worldview and Sexual affairs and Chastity in the cinema; Case Study of Sausages Party Animation. *Religion & Communication*, 26(1), 149-172. doi: 10.30497/rc.2019.2531 (In Persian)
- Smith, S., Choueiti, M., Choi, A., Pieper, K., & Moutier, C. (2019). Mental health conditions in film & TV: Portrayals that dehumanize and trivialize characters. America: USC Annenberg Inclusion Initiative & American Foundation for Suicide Prevention.
- Stuart H. Media portrayal of mental illness and its treatments: what effect does it have on people with mental illness? *CNS Drugs*. 2006; 20(2):99-106. doi: 10.2165/00023210-200620020-00002. PMID: 16478286.
- Vendsborg P, Nordentoft M, Lindhardt A. Stigmatisering af mennesker med psykisk lidelse [Stigmatizing of persons with a mental illness]. *Ugeskr Laeger*. 2011 Apr 18;173(16-17):1194-8. Danish. PMID: 21501561.Sydow, Kirsten & Reimer, Christian. (1998). Attitudes toward Psychotherapists, Psychologists, Psychiatrists, and Psychoanalysts: A Meta-Content Analysis of 60 Studies Published between 1948 and 1995. *American journal of psychotherapy*. 52. 463-88. 10.1176/appi.psychotherapy.1998.52.4.463.
- yarahmadi, L., farshad, M., & taghizadegan, M. (2010). Sociological Analysis of Masoud Kimiai's Works. *Sociology of Art and Literature*, 2(1), 197-224. https://jsal.ut.ac.ir/article_23402.html?lang=en (In Persian)